

پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی

علمی - پژوهشی

شماره ۳

هزار و سیصد و تود و سه - تیمسال اول

• اصل رفتار و قاعده‌های آن در حقوق جنایی-یا رویکردی تطبیقی به حقوق ایران و انگلستان ۵

مهرداد رایجیان اصلی

• سازوکارهای حقوق کیفری ایران در زمینه اعمال حق دادخواهی کودکان بزه‌دیده ۲۹

امیرحوزه زینالی

• ارکان معاونت در اثم ۵۲

قاسم محمدی - احسان عباس زاده امیرآبادی

• شباهت‌ها و تفاوت‌های تفسیر در حقوق جنایی ماهوی و شکلی ۷۵

علی تتجاسی

• ارزیابی ضمانت اجرای کیفری نسبت به اشخاص حقوقی ۹۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی
محمدجعفر حبیب‌زاده - محمد فرجیها

• جرم سیاسی و تقسیم‌بندی حد - تعزیر ۱۳۳

رحیم نویهار



پژوهشگاه حقوق



http://jcl.ac.ir/article_42738.html

ارکان معاونت در اثم

قاسم محمدی*

احسان عباسزاده امیرآبادی**

چکیده:

حرمت معاونت در اثم به عنوان مبنای فقهی جرم‌انگاری معاونت در جرم همواره مورد توجه بوده است. حکم شرعی معاونت در اثم و کیفیت پدید آمدن آن مشابهت‌های فراوانی با نهاد حقوقی معاونت در جرم دارد؛ حال آنکه بررسی دقیق‌تر ارکان مادی و روانی آن نشان می‌دهد درونمایه معاونت در اثم و مسائل جزئی آن لزوماً با نظریه معاونت در جرم همراه نمی‌شود. از سویی ابتدای شناسایی مصادیق معاونت به تحصیل درک عرفی از واژه عون در مقابل احصای مصادیق قانونی معاونت موجب می‌شود برخی از رفتارهایی که قانون معاونت قلمداد می‌کند از نظر فقهی معاونت به شمار نیاید و از سوی دیگر پذیرش نظریه کفایت علم به ماهیت عمل در تحقق رکن روانی معاونت رویکردی متمایز با آنچه در قوانین کیفری دیده می‌شود رقم می‌زند.

کلیدواژه‌ها:

معاونت در اثم، مساعدت عملی، عناوین قصدی، عناوین اعتباری، معان‌علیه، صدق عرفی معاونت.

درآمد

نقش «مداخلات فرعی» در تسهیل ارتکاب جرم و تقویت جرأت و جسارت مباشر موجب شده تا معاونت پدیده‌ای خطرناک و در خور پاسخ شناخته شود. از این رو «قوانین جنایی، علاوه بر مباشران اعمال ضداجتماعی، همکاران‌شان در ارتکاب این رفتارها را نیز با عناوینی مانند «معاونت در جرم» شایسته تحمل مجازات دانسته‌اند.^۱ رویه معمول نظام‌های حقوقی مختلف این گونه است که یک یا چند ماده از قوانین مذکور را به موضوع معاونت در جرم و بیان رفتارهای تشکیل‌دهنده، شرایط تحقق و نوع و میزان مجازات آن اختصاص می‌دهند. این قوانین نه تنها مقابله با پدیده معاونت را در پیش گرفته‌اند، بلکه در مواردی، به منظور پیشگیری از ایجاد روحیه همکاری جنایی، حکم معاونت را به مساعدت‌های پس از ارتکاب عمل مجرمانه مانند اخفای مال مسروقه نیز سرایت داده‌اند.

«معاونت در ارتکاب رفتارهای ممنوع» در آثار فقیهان با عنوان «اعانه بر اثم و عدوان» مورد توجه قرار گرفته است. اعانه بر اثم زمانی محقق می‌شود که فرد یا افرادی عنصر مادی گناه را به تنهایی مرتکب شده و فرد یا افراد دیگری، آنها را در ارتکاب عنصر مذکور یاری و مساعدت کنند.^۲ به رغم مخالفت بعضی از فقیهان، قول مشهور در میان آنها، حرمت اعانه بر اثم است. شاید به دلیل همین شهرت فتوایی است که نویسندگان کتاب‌های قواعد فقه، اغلب، لفظ حرمت را نیز در نام‌گذاری قاعده لحاظ کرده و مباحث خویش را ذیل عنوان «حرمت اعانه بر اثم و عدوان» نگاشته‌اند. لزوم فرعی بودن رفتارهای اعانتی و جواز تعزیر چنین رفتارهایی، این تلقی را تقویت می‌کند که میان عناوین «اعانه بر اثم» و «معاونت در جرم»، صرفنظر از مرجع و هدف اعتبار جرم و اثم، نسبت تساوی و اینهمانی برقرار است. در مقاله پیش‌رو، «اعانه بر اثم و عدوان» که یک نهاد فقه کیفری است، به روش حقوق کیفری مورد مطالعه قرار گرفته و ارکان مادی و روانی آن، از رهگذر تحلیل و نقد منابع فقهی، استخراج شده است. همچنین به مناسبت به برخی تفاوت‌های این نهاد با معاونت در جرم نیز اشاره شده است.^۳

الف - رکن مادی معاونت

در حقوق کیفری، مراد از رکن مادی، جنبه‌های غیرذهنی جرم است که در قالب رفتار

۱. قاسم محمدی و احسان عباس‌زاده امیرآبادی، «معاونت در جرایم غیرعمدی»، مجله پژوهش‌های حقوقی ۲۰ (۱۳۹۰)، ۴۵.
 ۲. سیدمصطفی محقق داماد، قواعد فقه «بخش جزایی» (تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۸)، ۱۷۳.
 ۳. جهت مشاهده برخی تفاوت‌های میان نهادهای مذکور نک: احسان عباس‌زاده امیرآبادی، «مشارکت جنایی در حقوق ایران و فرانسه (با رویکرد جرم‌شناسی)» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۳)، ۱۰۸-۱۰۹.

مادی، فیزیکی و ملموس تجلی کرده^۱ و امکان تطبیق نص قانونی بر رفتار مرتکب را فراهم می‌نماید.^۲ رکن مادی را می‌توان به سه جزء رفتار، شرایط و نتیجه تحلیل کرد.^۳ معاونت به عنوان جرمی مستقل می‌تواند در این مدل سه جزئی مورد بررسی قرار گیرد.

۱. رفتار تشکیل‌دهنده معاونت

مهم‌ترین جزء رکن مادی، رفتار فیزیکی است.^۴ رفتار فیزیکی، نیروی منبعث از اراده انسانی است که درصدد تأثیرگذاری بر محیط و تغییر دادن آن است.^۵ قلمرو مفهومی این اصطلاح، از نظر حقوقدانان، موارد حالت و نگهداری را نیز در برمی‌گیرد.^۶ در تحلیل رفتار تشکیل‌دهنده معاونت دو پرسش مهم قابل طرح است:

نخست آنکه چه رفتارهایی مصداق معاونت به شمار می‌آید؟ و دوم اینکه، آیا معاونت با ترک فعل نیز محقق می‌شود یا همواره عمل ایجابی است؟

۱-۱. صور مساعدت

پاره‌ای از حقوقدانان، معاونت را به دو نوع مادی و معنوی تقسیم کرده‌اند^۷ و آن دسته از مصادیق معاونت که مبتنی بر آموزش یا القای فکر و اندیشه‌اند، ذیل معاونت معنوی و دسته دیگر که متضمن تأثیرگذاری مادی در فرایند ارتکاب جرم (فراهم ساختن مقدمات فیزیکی، رفع موانع فیزیکی و اجرایی یا تهیه ابزار ارتکاب جرم) هستند، ذیل معاونت مادی جای داده‌اند. ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در قالب سه بند رفتارهای مادی و معنوی سازنده معاونت را ذکر کرده و همه آنها را معاونت دانسته است. با عنایت به ماده ۱۲۶، تردیدی نیست که در حقوق ایران، هر دو دسته رفتار مادی و معنوی، در تحقق معاونت معتبرند؛ اما، به لحاظ فقهی، در باب این مسأله، حکم روشن و واحدی وجود ندارد. ریشه این

۱. آقایی‌نیا، حسین، جرایم علیه اشخاص «جنایات» (تهران: میزان، ۱۳۸۴)، ۲۴.
Jacques- Henri Robert, Droit pénal général (Paris: PUF.1992), 229.

۲. مصطفی‌الوجی، النظریه العامه للجريمه (بیروت: مؤسسه نوفل، ۱۹۸۸)، ۲۸۲.

۳. حسین میرمحمدصادقی، تقریرات درس حقوق جزای عمومی (کارشناسی، تدوین: مجید ادیب (تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۷۵)، ۹.

۴. عباس منصورآبادی و محمدجواد فتحی، جعل و تزویر و جرایم وابسته (تهران: سمت، ۱۳۹۰)، ۲۳.

۵. محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، جلد ۱ (تهران: میزان، ۱۳۸۸)، ۲۰۹.

۶. عباس زراعت، حقوق جزای عمومی، جلد ۱ (تهران: ققنوس، ۱۳۸۶)، ۱۴۴.

۷. رنه گارو، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، ترجمه سیدضیاءالدین نقابت، جلد ۳ (تهران: ابن‌سینا، ۱۳۴۴)، ۸۷.
Victor Molinier, *Traité théorique et pratique de droit pénal, annoté et mis au courant de la législation et de la jurisprudence les plus récentes*, par Georges Vidal (Paris: A. Rousseau, 1894), 231.

ناهماهنگی در فتوای فقها، اجمال واژه معاونت است. غالب فقها، معاونت را «مساعدت و یاری‌رسانی به دیگری از طریق فراهم کردن مقدمات فعل وی» تعریف کرده‌اند^۸ اما دریافت عرفی از این مفهوم همواره محل بحث بوده است.

استفاده از واژه‌هایی نظیر مساعدت و نوع مثال‌های ارائه شده در آثار فقهای صاحب‌نام، این تصور را برای برخی نویسندگان ایجاد کرده که معاونت در حرام تنها در قالب مساعدت عملی (ایجاد شرایط یا رفع موانع فیزیکی) بروز خارجی می‌یابد.^۹ کلام برخی فقها نیز که اعانه را «انجام فعلی که دیگری را در دستیابی به مطلوب خویش متمکن و توانا می‌سازد»^{۱۰} تعریف کرده‌اند، پشتوانه مناسبی برای این ادعا به حساب می‌آید. در مقابل، گروهی از فقها و حقوقدانان، معتقدند که معاونت، محدود به «مساعدت عملی» نبوده، بلکه مساعدت فکری را نیز شامل می‌شود. آنها دلیل نظر خویش را اطلاق واژه «مساعدت» در تعریف اعانه، ذکر کرده‌اند.^{۱۱} ظاهر برخی روایات نیز با مفاد این قول، هماهنگ به نظر می‌رسد.^{۱۲}

با این وجود به نظر می‌رسد که معنای عرفی مساعدت، منصرف از موارد تحریک، تهدید، تطمیع و ترغیب باشد، زیرا عرف، القای اندیشه را مصداق تهیه مقدمات فعل غیر و مساعدت به وی به شمار نمی‌آورد. همچنین در باب دسیسه، فریب، نیرنگ و سوءاستفاده از قدرت، هرگاه اعمال مذکور نسبت به مباشر انجام شده و مانند تحریک و تهدید، وی را به ارتکاب حرام وادارد، از شمول عنوان اعانه خارج می‌شوند؛ اما در جایی که این اعمال در خدمت ایجاد

۸. السیدمیرزا حسن الموسوی البجنوردی، القواعد الفقیهیه، جلد ۱ (نجف: مطبعه الآداب فی النجف الاشرف، ۱۹۶۹م)، ۳۰۹. مرتضی الانصاری، کتاب المکاسب و تحقیق و تعلیق السیدمحمد کلانتر، جلد ۲ (نجف‌الاشرف: منشورات جامعه النجف الدینیة، ۱۳۵۰)، ۷۲. سیدابوالقاسم الموسوی الخویی، مصباح الفقاهه فی المعاملات، به قلم محمدعلی التوحیدی، جلد ۱ (بیروت: دارالهادی، ۱۹۹۲)، ۲۳۶. عباسعلی عمید زنجانی، قواعد فقه: بخش حقوق جزا، جلد ۲ (تهران: سمت، ۱۳۸۷)، ۵۵.

۹. حسن مرادی، شرکت و معاونت در جرم (تهران: میزان، ۱۳۷۳)، ۱۶۵.

۱۰. محمدحسین الغروی النائینی، المکاسب و البیع، به قلم محمدتقی الآملی، جلد ۱ (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ق)، ۲۷. ۱۱. محمدفاضل موحدی لنگرانی، القواعد الفقیهیه (قم: مرکز فقه الأئمة الأطهار علیهم السلام، ۱۳۸۳)، ۴۵۰. محقق داماد، قواعد فقه «بخش جزایی»، (تهران: مرکز نشر علوم اسلامی)، ۱۷۹.

۱۲. به عنوان نمونه، حدیثی از پیامبر اسلام (ص) نقل شده که فرمود: «مَنْ أَعَانَ عَلَى قَتْلِ مُؤْمِنٍ بِسَطْرِ كَلِمَةٍ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ، مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ: آيسُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ» (القرزویی، ۱۹۷۵: ۸۷۴). «شخصی که [با گفتن یک کلمه در قتل مسلمانان مساعدت می‌کند، در حالی خداوند را ملاقات می‌کند که در پیشانی او نوشته شده است: مایوس از رحمت الهی».

روایت مذکور تنها متضمن این نکته است که تحقق معاونت از طریق گفتار نیز امکان‌پذیر است. عرف در دو جا گفتار را اعانه تلقی می‌کند. نخست، موارد ارائه طریق و دوم، مواردی که گفتار فرد، منجر به ایجاد شرط یا رفع مانع می‌شود. مانند اینکه فردی (الف)، به‌رغم آگاهی از قصد قتل، از دوست خویش (ب) درخواست کند که اسلحه وی (الف) را که به امانت نزد او (ب) است در اختیار شخصی (ج) قرار دهد که به او (ب) مراجعه می‌کند. روایت مذکور نیز در مقام توسعه مفهوم معاونت نبوده و تنها در مقام بیان حکم مواردی است که گفتار، عرفاً، مصداق اعانه به‌شمار می‌آید. نتیجه اینکه، پذیرش امکان تحقق معاونت از طریق گفتار، مستلزم این نیست که ارتکاب رفتارهای القایی (تحریک و ...) نیز اعانه محسوب گردد.

شرط یا رفع مانع به کار گرفته می‌شوند، در عنوان اعانه داخل می‌شوند. در باب آموزش و ارائه طریق نیز باید به داوری عرف رجوع کرد. بدیهی است که عنوان اعانه، در صورتی صادق است که ارائه طریق عرفاً «کمک» به شمار آید.

۱-۲. امکان ارتکاب از طریق ترک فعل

نویسندگان فقهی، در باب برخی اجزا و شرایط تحقق عنوان اعانه بر اثم و عدوان نظیر «اعتبار یا عدم اعتبار قصد»، «لزوم یا عدم لزوم ترتب معان علیه» و «علم معاون به مدخلیت عمل خویش در ارتکاب حرام از سوی مباشر» به بحث و گفتگوی فراوان پرداخته‌اند؛ اما در خصوص امکان تحقق اعانه از طریق ترک فعل سکوت کرده‌اند. از سوی دیگر، شرایطی که فقیهان در حوزه اعانه بر اثم و عدوان به آنها توجه کرده‌اند، عمدتاً ناظر به موارد صدور فعل از جانب معین است. این روش شاهی بر این مدعاست که فقه شیعه تشکیل عنوان اعانه بر اثم را منحصر از رهگذر ارتکاب فعل میسر دانسته است. پاره‌ای از نویسندگان عرب نیز ترک فعل را از عداد رفتارهای تشکیل‌دهنده معاونت خارج ساخته و اقدام خود را به نظر علمای اهل سنت مستند ساخته‌اند^۱ که به این ترتیب شاید بتوان گفت که عدم تحقق معاونت از طریق ترک فعل رویکردی عمومی در فقه اسلامی است.

در توجیه این برداشت می‌توان به تفکیک میان «ایجاد شرط» و «عدم ایجاد مانع» توسل جست. بر این اساس، در صورتی که «عون» در لغت به معنای مساعدت، کمک و یاری و معاون به معنای مساعدت‌کننده و یاری‌رسان بوده^۲ و صدق کمک و مساعدت مستلزم ایجاد مقدمات یا رفع موانع فیزیکی باشد، ترک فعل از تولید عنوان اعانه ناتوان خواهد بود. زیرا ترک فعل «عدم ایجاد مانع» بوده و هیچ‌گاه مصداق ایجاد شرط یا رفع مانع فیزیکی تلقی نمی‌شود. مناسب آن است که در این‌گونه مسائل به درک عرفی مسأله رجوع کرده و از گرفتاری در بند مباحث فلسفی پرهیز شود. چندان که عرف، پاره‌ای از موارد ترک فعل را مصداق یاری‌رسانی به فاعل و تسهیل عمل وی قلمداد می‌نماید. ظاهر کلام برخی از فقیهان شیعی نیز دال بر این است که در تشخیص موارد «ایجاد مقدمه فعل غیر»، قضاوت عرف ملاک است.^۳ از این‌رو برخی فقیهان با ارجاع به «صدق استناد عرفی»، نگهبان یا مستخدم یک

۱. عبدالقادر عوده، حقوق جزای اسلامی، جلد ۲، ترجمه ناصر قربان‌نیا، سیدمهدی منصوری و نعمت‌الله الفت (تهران: میزان، ۱۳۷۷)، ۱۱۴.

۲. روح‌الله الموسوی الخمینی، المکاسب المحرمه، جلد ۱ (قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمینی، ۱۳۷۳)، ۱۹۷.

۳. الموسوی الخویی، مصباح الفقاهه فی المعاملات، ۲۳۴.

منزل را که با علم به وقوع سرقت، از ادای وظیفه خویش مبنی بر قفل کردن درب ورودی منزل خودداری می‌کند، معاون سرقت محسوب کرده‌اند.^۱ پذیرش داوری عرف در باب مصادیق اعانه بر حرام، با عقلی یا شرعی دانستن مبنای حرمت اعانه بر اثم نیز در تعارض نمی‌افتد؛ چون آنچه از آیه ۲ سوره مائده، روایات و حکم عقل استنباط می‌شود، ممنوعیت اعانه بر اثم و عدوان است و این امر فرع بر شناخت مفهوم و مصادیق اعانه به عنوان اموری عرفی است. به عبارت دیگر، آیه شریفه، روایات و حکم عقل، افراد را از ارتکاب رفتارهایی که - بسته به شرایط زمان و مکان - عرفاً اعانه بر حرام محسوب می‌شوند، نهی می‌کند. این دیدگاه با آنچه برخی نویسندگان عرب در خصوص «عدم تحقق عنوان معاونت از طریق ترک فعل» بیان نموده‌اند نیز تعارضی ندارد. زیرا مثال‌هایی که از قول فقها نقل کرده‌اند (سکوت در مقابل سارقان و قاتلان و عدم منع فردی که کودک فاقد مهارت‌های شنا را در رود می‌اندازد) از زمره مواردی هستند که عرفاً یاری، مساعدت و تسهیل عمل ممنوع محسوب نمی‌شوند.

۲. شرایط تحقق

در حقوق کیفری، تحقق رکن مادی مستلزم هم‌زمانی رفتار مرتکب با شرایط خاصی است که قانون، وجود یا فقدان آنها را ضروری شمرده است.^۲ شرایط لازم برای تحقق رکن مادی معاونت عبارت‌اند از: حرام بودن فعل اصلی (فعل مباشر)، تقدم رفتار معاون یا تقارن آن با رفتار مباشر، فرعی بودن رفتار، قصد ارتکاب جرم از سوی مباشر، بهره‌مندی مباشر از رفتار معین و وقوع حرام مقصود (معان علیه).

۲-۱. حرام بودن فعل اصلی

هر چند جرم بودن عمل اصلی در حقوق و حرام بودن عمل مباشر اصلی در فقه امری ضروری است و بدون این شرط عنوان معاونت در ارتکاب جرم یا معاونت در اثم محقق نمی‌شود؛ اما مسأله مهم آن است که تفاوت میان مفهوم جرم به عنوان اعتباری قانونی و اثم به عنوان اعتباری شرعی تمایزی جدی را میان این دو اصطلاح پدید می‌آورد. چه آنکه حرمت در فقه همواره مستلزم عمل آگاهانه و قاصدانه است و به این ترتیب، حرمت لزوماً

۱. محقق داماد، قواعد فقه «بخش جزایی» ۱۸۵.

۲. حسین میرمحمدصادقی، جرایم علیه اشخاص (تهران: میزان، ۱۳۹۰)، ۲۵. عبدالعلی توجیهی، تقریرات حقوق جزای اختصاصی ۳ (جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی)، تدوین: علیرضا منجزی (تهران: مؤسسه عالی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲)، ۹.

رفتاری عمدی است، اما در مقابل جرم می‌تواند به صورت غیرعمدی نیز واقع شود. همین تمایز منجر به آن خواهد شد که حرمت معاونت نیز مستلزم عمدی بودن عمل معاون باشد، حال آنکه اعتبار حقوقی جرم ضرورتاً با عمدی بودن رفتار پیوندی ندارد. بنابراین به‌رغم آنکه از منظر فقهی سخن گفتن از معاونت غیرعمدی یا اثم غیرعمدی ناممکن به نظر می‌رسد، اما زمینه این بحث در حوزه حقوقی باز است. النهایه باید دید قانونگذار چه اعتباری در این زمینه داشته است.

۲-۲. تقدم یا تقارن زمانی

اصولاً همکاری و مساعدت با دیگری در سه بازه مختلف قبل از ارتکاب، حین ارتکاب و بعد از ارتکاب، امکان‌پذیر است. با این وجود تنها اعمال مساعدتی پیش و حین ارتکاب جرم را - البته به شرط تحقق سایر شرایط - می‌توان معاونت تلقی کرد؛ زیرا معاونت به معنای مداخله در فعل غیر از طریق تهیه مقدمات آن فعل است و در نتیجه، اعمال پس از اتمام یک فعل، مصداق معاونت و مداخله در آن فعل قلمداد نمی‌شوند. به عبارت دیگر، معاونت دانستن مساعدت‌های پسینی، به لحاظ منطقی، ممتنع است. البته این به معنای عدم امکان توسعه مفهوم معاونت نیست. زیرا شارع می‌تواند با لحاظ برخی مصالح، مفاهیم را به لحاظ حکمی - و نه ماهوی - توسعه بخشد. همچنان که مقنن ایرانی، حکم معاونت در جرم را به موارد تحریک، تهدید و ترغیب به ارتکاب جرم و مقنن لبنانی و سوری، این حکم را به مورد اخفا تسری داده‌اند. کیفیت تنظیم ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، پشتوانه مناسبی را برای این برداشت (توسعه حکمی معاونت از جانب قانونگذار) فراهم می‌کند. «زیرا استفاده از عبارت «محسوب می‌شوند» [در ماده مذکور] می‌تواند متضمن این پیام باشد که معاونت از نظر قانون، به مصداق مندرج در متن ماده اطلاق می‌شود و رابطه ضروری با معنای واژگانی معاونت ندارد».^۲ اما در شریعت اسلامی، دلیلی بر توسعه مفهوم و گسترش قلمرو معاونت یافت نمی‌شود. بنابراین در باب مفهوم و محدوده اعانه بر اثم باید به قدر متیقن معنای عرفی (واژگانی) آن اکتفا کرده و فقط اعمال مقدم و مقارن ارتکاب حرام را - با لحاظ سایر شرایط - برای تحقق عنوان معاونت در اثم صالح دانست.

۲-۳. فرعی بودن رفتار

برای تحقق معاونت، علاوه بر لزوم تقدم یا اقتران زمانی، فرعی بودن رفتار نیز شرط

1. Gaston Stéfani, *Georges Levasseur et Bernard Bouloc*, Droit pénal général (Paris: Dalloz, 1995), 265.

۲. محمدی و عباس‌زاده امیرآبادی، پیشین، ۵۲.

است. به عبارت دیگر، معاون، شخصی است که دیگری را در انجام عنصر مادی گناه، یاری رسانده، اما خود به ارتکاب اعمال اجرایی دست نمی‌زند.^۱ بنابراین هرگاه فردی به قصد کمک به دیگری در تحقق قتل، جراحت مؤثر دیگری به مجروح وارد آورد، معاون جرم قتل محسوب نمی‌شود؛ بلکه شریک جرم و حتی گاه مجرم اصلی خواهد بود.

۲-۴. رفتار قاصدانه مباشر

برخی فقها، به صراحت، قصد ارتکاب جرم از سوی مباشر (معان) را نیز در تحقق معاونت شرط دانسته‌اند.^۲ به نظر می‌رسد در شرط بودن این امر میان فقها، حتی آن دسته از آنها که معتقدند: قصد تحقق حرام از سوی معین در صدق اعانه بر اثم مدخلیتی ندارد،^۳ اتفاق نظر وجود دارد؛ زیرا فقدان قصد مباشر مانع تحقق اثم و گناه شده و عدم تحقق اثم و گناه، تحقق اعانه بر آن را منتفی می‌سازد.^۴

۲-۵. بهره‌مندی مباشر

از دیگر شرایط لازم برای تحقق معاونت، این است که مباشر، در عمل، از رفتار مساعدتی معین، بهره‌مند شود.^۵ حقوقدانان نیز معتقدند هرگاه شخصی برای مساعدت در ارتکاب قتل یا سرقت، اسلحه، سم یا نردبانی در اختیار مجرم قرار دهد، اما مجرم در ارتکاب جرم خویش از این ابزار و وسایل استفاده نکند، عمل مساعدت‌کننده، به علت فقدان رکن مادی، بر مقررات معاونت در جرم منطبق نمی‌شود.^۶

۲-۶. وقوع حرام مقصود (ترتیب معان علیه)

در حقوق کیفری، تحقق معاونت متوقف بر وقوع جرم اصلی است. «چراکه معاونت در یک جرم زمانی معنا دارد که آن جرم وجود داشته باشد».^۷ ظاهراً نخستین فقیه شیعه مذهب که

۱. محمدحسن مرعشی شوشتری، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، جلد ۲ (تهران: میزان، ۱۳۷۹)، ۶۹ محقق داماد، پیشین، ۱۷۳.

۲. مرعشی شوشتری، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، جلد ۲، ۸۱ و نیز الانصاری، کتاب المکاسب، جلد ۲، ۹۱.

۳. الموسوی الخویی، مصباح الفقاهه فی المعاملات، ۲۳۲.

۴. حسینعلی المنتظری، دراسات فی المکاسب المحرمه، جلد ۲ (قم: مکتب آیت‌الله العظمی المنتظری، ۱۴۱۷ هـ.ق)، ۳۲۱.

۵. گارو، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، ج ۳، ۱۳۱. احمد بن محمد مهدی النراقی، عوائد الایام، حقه مرکز الأبحاث و الدراسات الاسلامیه (قم: مرکز النشر التابع لمکتب الإعلام الإسلامی، ۱۳۷۵)، ۷۹.

۶. ایرج گلدوزیان، بایسته‌های حقوق جزای عمومی (تهران: میزان، ۱۳۷۷)، ۲۵۸.

۷. محمدی و عباس‌زاده امیرآبادی، پیشین، ۴۷.

وقوع حرام (معان علیه) را در تحقق معاونت بر اثم شرط دانسته، فاضل نراقی است. وی برای اثبات نظر خویش به تبادل عرفی استناد کرده و معتقد است که صرف ارتکاب رفتار به قصد وقوع امری در خارج، عرفاً معاونت محسوب نمی‌شود، بلکه عرف زمانی رفتار را مصداق اعانه می‌شمارد که امر مورد نظر در خارج محقق گردد. به باور وی صرف قصد ترتب معان علیه به تنهایی و تا قبل از تحقق خارجی معان علیه نیز حرام است؛ اما مصداق معاونت نیست. از این رو به نظر وی، در صورت تحقق خارجی معان علیه، عمل معاون از دو جهت (اشتغال به مقدمات حرام به قصد تحقق حرام و اعانت بر حرام) متصف به وصف حرمت می‌شود.^۱ شیخ انصاری در مقام رد نظریه نراقی، حقیقت اعانه بر شیء را «انجام فعل به قصد وقوع آن شیء»، صرف نظر از حصول یا عدم حصول آن» تعریف کرده و نظر وی مبنی بر اینکه «اشتغال به مقدمات عمل حرام به قصد تحقق آن، عنوانی غیر از معاونت بوده و مستقلاً حرام است» را گمانی ناروا دانسته است.^۲ علاوه بر این پاره‌ای دیگر از فقها نیز در پاسخ به نظریه نراقی اظهار داشته‌اند که قول فقها در باب «حرمت فراهم کردن مقدمات فعل حرام به قصد ترتب حرام»، بر فرض پذیرش حرمت، به مواردی اشاره دارد که خود فاعل، مقدمات فعل خویش را مهیا نماید و هرگز شامل فراهم ساختن مقدمات فعل از سوی دیگری (معاون) نمی‌شود.^۳

برخی فقها اظهار نظر در باب شرط بودن «ترتیب معان علیه» را منوط به این دانسته‌اند که وضعیت واژه «اثم» در آیه «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْاِثْمِ» از لحاظ مصدر یا اسم مصدر بودن مشخص شود. به باور آنها، در صورتی که «اثم» اسم مصدر باشد، صدق آن محتاج تحقق خارجی «اثم» است، اما اگر این واژه به معنای مصدر باشد، اعانه بر اثم نیز، عرفاً، به معنای «توانا ساختن فاعل بر ارتکاب فعل حرام، فارغ از تحقق خارجی آن» است. در چنین حالتی (مصدریت) شرط دانستن ترتب معان علیه به سه شکل قابل توجیه است:

نخست اینکه، ایجاد مقدمه‌ای که فاعل را به مقصود خویش رسانده (مقدمه موصله) را ملاک صدق اعانه تلقی کنیم یا ترتب فعل اصلی (معان علیه) را شرط متأخر برای تحقق اعانه قلمداد کنیم - که ظاهراً هر دو راه حل - خلاف متفاهم عرفی و حکم عقل است، زیرا اعانه بر اثم در معنای مصدری به معنای «توانا ساختن فرد بر انجام عمل» است که بدون تحقق عمل اصلی نیز محقق می‌شود.

دوم اینکه گفته شود صدق اعانه بر اثم عرفاً نیازمند تحقق معان علیه است. از این رو، فعلی

۱. النراقی، عوائد الايام، ۷۸.

۲. الانصاری، پیشین، ۷۲.

۳. المنتظری، پیشین، ۳۱۹.

را که به قصد ارتکاب حرام از طرف دیگری (مباشراً) واقع شده است، فقط پس از تحقق ذی‌المقدمه، مصداق کمک و یاری تلقی می‌کنیم که چنین توجیهی خلاف عرف است. سوم اینکه، ایجاد مقدمه یک جرم، اعانه بر آن جرم محسوب شود مگر آنکه بعداً عدم وقوع معان علیه احراز گردد - که در این صورت رفتار - مصداق تجری به‌شمار می‌آید نه اعانه. این توجیه نیز قابل قبول نیست، زیرا در جایی که شخصی برای تعمیر مسجدی مقداری گچ اهدا می‌کند، قبل از تحقق تعمیر و حتی در صورت بروز مانع نیز گفته می‌شود که فلانی در تعمیر مسجد، معاونت کرد.^۱ در مقام دفاع از توجیه سوم می‌توان گفت که معاونت دانستن چنین اعمالی در محاورات عرفی به این اعتبار صورت می‌گیرد که عرف - ارتکاب رفتار از جانب فاعل اصلی را - در آینده، حتمی می‌پندارد. «شاهد این مدعا این است که در همان مثال گچ و مسجد اگر مرمتی از مسجد انجام نگیرد عرفاً گفته می‌شود: فلانی می‌خواست برای ساختن مسجد کمک کند، ولی مالش هدر شد».^۲

پاره‌ای از فقها معتقدند که مصدر و اسم مصدر شرایط صدق متفاوتی ندارند، بلکه تنها در اعتبار با هم متفاوت بوده و بیانگر حالت‌ها و وضعیت‌های مختلف‌اند، به این معنا که امور ایجاد (حدوثی) نظیر اثم فی نفسہ اسم مصدرند، اما زمانی که به لحاظ صدور از فاعل مورد توجه قرار گیرند، معنای مصدری می‌دهند. از سوی دیگر اعانه، امری اضافی است که قوام آن متکی بر تحقق اطراف و شرایط آن از قبیل معان علیه می‌باشد.^۳

همان‌گونه که برخی فقها اشاره کرده‌اند، صرف استحقاق عقاب، ملاک مناسبی برای تشخیص موارد اعانه محسوب نمی‌شود. پس، بی‌تردید هرگاه دو نفر تصمیم بگیرند که اقدامی علیه مردم انجام دهند و هریک برای تهیه مقدمات فعل خویش از یاری افراد دیگری بهره‌مند شوند، آن‌گاه یکی از آنها عمل مورد نظر خویش را به اتمام برساند و دیگری نادم شده و دست از ارتکاب جرم بشوید، عرف تمامی تهیه‌کنندگان را - اعم از آنها که جرم مورد نظرشان از سوی مباشر تحقق یافته و آنها که در دستیابی به مقصود خویش ناکام مانده‌اند، مستحق عقاب می‌شناسد؛ اما این امر، حمل بر این معنا نمی‌شود که رفتار تهیه‌کنندگان مقدمات فعل فرد نادم نیز مصداق اعانه است. زیرا از یک سو، استحقاق عقاب تهیه‌کنندگان مقدمات فعل فرد نادم، از باب تجری است و از سوی دیگر، کیفیت استعمال عرفی واژه اعانه مؤید این است که این واژه، به حسب وضع، مقید به تحقق خارجی معان علیه می‌باشد.^۴

۱. الموسوی الخمینی، المکاسب المحرمه، جلد ۱، ۲۱۱-۲۱۲.

۲. محمدعلی محمدی همدانی، تبیین فقهی معاونت در جرم و مقایسه آن با قوانین موضوعه (تهران: جنگل، ۱۳۸۸)، ۶۷.

۳. المنتظری، پیشین، ۳۱۹.

۴. الموسوی الخوی، پیشین، ۲۳۳.

در حقوق کیفری، جرایم بر اساس نتیجه رکن مادی به دو دسته جرایم مطلق و مقید تقسیم می‌شوند.^۱ جرایم مقید اصولاً مستلزم تحقق نتیجه عینی، محسوس و زیانبارند؛ در حالی که جرایم مطلق، بی‌نیاز از چنین عنصری محقق می‌شوند.^۲ مقصود از نتیجه، اثری است که در عالم خارج بر رفتار مجرمانه مترتب می‌شود.^۳ برخی بر مبنای همین دسته‌بندی، ترتب معان علیه را نتیجه معاونت دانسته و میان رفتار معاون و ارتکاب جرم از سوی مباشر، رابطه سببیت برقرار ساخته‌اند.^۴ ظاهراً بعضی از فقها نیز به این نظر تمایل نشان داده‌اند.^۵ اما این دیدگاه خدشه‌پذیر به نظر می‌رسد، زیرا رابطه سببیت، تأثیر مادی کنش (رفتار) مرتکب بر تغییر اوضاع بیرونی (نتیجه) را اثبات کرده و از این رهگذر، مرتکب رفتار را در برابر نتیجه حاصله مسؤول می‌شناسد.^۶ در حالی که رفتار معاون با عمل مباشر پیوند تولیدی نداشته و نتیجه مجرمانه به وی قابل انتساب نخواهد بود.^۷ چون که مباشر در حالی که عاقل، عالم و مکلف به ترک جرم است، به ارتکاب آن همت می‌گمارد که این هر گونه رابطه سببی میان عمل معاون و عمل مباشر را قطع می‌کند.

بدین سان، به نظر می‌رسد که برخلاف نظر برخی فقها،^۸ ترتب معان علیه در تحقق معاونت شرط باشد. البته لازم به ذکر است که مقصود از معان علیه، اعم از رفتار و نتیجه است. به این ترتیب، هرگاه هدف معاون، صدور فعل ضرب از سوی مباشر باشد و این امر تحقق یابد، معاونت در ضرب نیز محقق شده است و هرگاه مقصود وی قتل باشد، تحقق معاونت در قتل، وابسته به وقوع نتیجه (سلب حیات) در خارج است. از این رو برخی فقها معتقدند که هرگاه شخصی با آگاهی از این امر که دیگری نقشه قتل انسان محقون الدمی را در سر می‌پروراند، شمشیری را برای وی ارسال نموده و او از این شمشیر برای قتل فرد مورد نظر خویش استفاده کند، معاون جرم محسوب می‌گردد، هرچند که - هنگام ارسال شمشیر -

1. Stéfani, *Levasseur et Bernard*, Droit pénal général, 193.

2. Xavier Pin, *Droit pénal général* (Paris: Dalloz, 2009), 124. Pierre Bouzat et Jean Pinatel, *Traité de Droit pénal et de criminologie* (Paris: Dalloz, 1963), 129.

۳. سمیر عالیبه، اصول قانون العقوبات (القسم العام)، (بیروت: مؤسسه الجامعیه للدراسات و النشر و التوزیع، ۱۹۹۶م)، ۲۰۳. از این رو، «در جرایم مقید، قانونگذار اصولاً عهده‌دار بیان ممنوعیت وقوع آثار ناشی از رفتار مرتکب می‌باشد و غالباً نوع رفتار فیزیکی و چگونگی وصول به نتیجه مجرمانه را مد نظر قرار نمی‌دهد». نک: سیدعلیرضا میرکمالی و احسان عباس‌زاده امیرآبادی، «تحلیل جرم جعل مفادی»، آموزه‌های حقوق کیفری ۸ (۱۳۹۳)، ۲۲۷.

۴. زراعت، حقوق جزای عمومی، جلد ۱، ۲۷۳.

۵. مرعشی شوشتری، پیشین، ۹۱.

۶. محمود نجیب حسنی، رابطه سببیت در حقوق کیفری، ترجمه سیدعلی عباس‌نای زارع (مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۶)، ۷۷.

۷. محمدی و عباس‌زاده امیرآبادی، پیشین، ۴۷.

۸. الانصاری، پیشین، ۷۲ و نیز مرعشی شوشتری، پیشین، ۸۰.

از کیفیت رفتار و نیازمندی‌های مباشر مطلع نبوده و نداند که او (مباشر) چه رفتاری را برای نیل به نتیجه مورد نظر خویش انتخاب کرده است.^۱ بنابراین برای تعیین میزان مسؤولیت معاون در قبال اعمال ارتكابی مباشر، همواره باید به این نکته توجه کرد که معاون، از رفتار خویش چه هدفی را دنبال می‌کرده است: کمک به مجرم در ارتكاب رفتار یا مساعدت به وی برای نیل به نتیجه رفتار. به عبارتی روشن‌تر مسؤولیت معاون را بیشتر باید از وضعیت روانی خود معاون دریافت نه عمل ارتكابی مباشر.

ب - رکن روانی معاونت

حقوق کیفری مدرن، صرف ارتكاب رفتار فیزیکی و فراهم آمدن جنبه‌های مادی جرم را برای تحقق جرم کافی ندانسته^۲ و علاوه بر آن، وضعیت روانی مرتکب حین رفتار مجرمانه را نیز - در تحقق جرم - لحاظ می‌کند.^۳ «رکن روانی» و «سوءنیت» اصطلاحاتی هستند که حقوقدانان برای اشاره به ارتباط ذهنی مرتکب با رفتار مجرمانه خویش به کار گرفته‌اند.^۴ در فقه شیعی، ابتدای مفهوم حرمت بر وجود علم و قصد مرتکب، اساساً تصور وقوع حرام غیر عمدی را منتفی ساخته است. عنوان اعانه بر حرام نیز از این قاعده عام مستثنا نبوده و به فرض حرمت شرعی، نیازمند عمد است. حقوقدانان معتقدند که عمد از دو جزء «علم به ارکان جرم» و «خواست فعل و نتیجه» تشکیل می‌شود.^۵ در میان فقیهان، برخی حرام بودن معاونت بر اثم را مسلم پنداشته و برخی دیگر به عدم حرمت آن فتوا داده‌اند. بر مبنای همین دو نظریه، آرای فقها در خصوص اعتبار عمد و کیفیت آن نیز متفاوت گشته است. این آرا را می‌توان به سه دسته کلی تفکیک کرد.

۱. نظریه انکار اعتبار عمد

برخی از فقها با تمسک به جواز استعمال کلمه اعانه در خصوص افعال فرد غیر قاصد و ناآگاه، معتقدند که آگاهی و قصد، به لحاظ لغوی، در صدق عنوان اعانه بر حرام معتبر نیست. آنها برای اثبات نظر خویش، به نوع کاربرد ماده عون در بسیاری از روایات و ادعیه اسلامی

۱. النراقی، پیشین، ۷۹.

۲. سلیمان عبدالمنعم، النظریه العامه لقانون العقوبات (بیروت: منشورات الحلبي الحقوقیه، ۲۰۰۳)، ۵۰۸.
Michèle-Laure Rassat, Droit péna (Paris: PUF.1987), 359.

۳. عالیه، اصول قانون العقوبات (القسم العام)، ۲۳۴.

۴. عوض محمد، قانون العقوبات (القسم العام) (اسکندریه: دارالمطبوعات الجامعیه، ۱۹۸۵م)، ۲۰۱.

۵. محمودنجیب حسنی، شرح قانون العقوبات (القسم الخاص) (قاهره: دارالنهضة العربیه، ۱۹۹۲م)، ۳۴۹ و نیز نک: الکامل السعید، شرح قانون العقوبات، الجرائم المضره بالمصلحه العامه (عمان: دارالثقافه، ۲۰۰۸)، ۱۲۲.

استناد می‌کنند. از جمله این موارد عبارت «الصوم عون للفقير» و همچنین عبارت «و رزقک العافیة فأعانتک علی الطاعة» در روایت ابوہاشم جعفری است که آشکارا بیانگر این مطلب است که تحقق اعانه نیازی به آگاهی یا خواست معاون ندارد.^۱ البته قائلان به این دیدگاه اساساً قائل به حرمت اعانه بر اثم نبوده و آن را از عداد رفتارهای قابل مجازات خارج می‌دانند.

هر چند دسته‌بندی اعانه در زمره عناوین واقعی و نه اعتباری (قصدی)، مقتضی آن است که قصد اعانه و آگاهی در تحقق آن شرط نباشد، اما همان‌گونه که بعضی فقیهان اشاره کرده‌اند، عدم آگاهی فرد به ترتب حرام مانع از این می‌شود که رفتار او، اعانه بر حرام تلقی گردد.^۲ زیرا تحقق اعانه بر حرام منوط به این است که او به حرام بودن فعل اصلی و مساعدت خویش در تحقق آن فعل آگاه باشد. بنابراین حتی اگر بپذیریم که صدق اعانه، بی‌نیاز از قصد و آگاهی است، اما اعانه بر حرام حداقل نیازمند علم و آگاهی خواهد بود.^۳ برخی از فقها معتقدند که استعمال واژه‌های رزق، صبر و صوم در برخی آیات، روایات و ادعیه و انتساب اعانه به این عوامل، فقط از باب توجه دادن به اسباب و وسایل بوده و الا در تمامی این موارد، معین واقعی، ذات اقدس باری تعالی است.^۴ بدیهی است که این دیدگاه در تقابل با دیدگاهی است که «عدم قابلیت عوامل غیرانسانی (رزق، صبر و صوم) در قصد کردن» را با توجه به انتساب اعانه به این اسباب در متون دینی، دلیل عدم اعتبار قصد در تحقق معاونت تلقی می‌کند.

۲. نظریه ضرورت قصد

شیخ انصاری، محقق کرکی را نخستین فقیهی می‌داند که قصد معاون را در تحقق معاونت شرط دانسته است.^۵ به نظر آنها، کلام آن دسته از فقیهان که با استناد به عمومیت نهی آیه ۲ سورة مائده، «فروش مال به کسی که معلوم است مبیع را در حرام صرف می‌کند» را معاونت

۱. الموسوی الخویی، پیشین، ۲۳۱-۲۳۲.

۲. میرزا علی الايروانی النجفی، حاشیة المكاسب، جلد ۱ (قم: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹)، ۱۵.

۳. مرحوم ايرواني معتقد است که تمهید مقدمات فعل غیر بدون اطلاع از ترتب حرام موجب بروز شبهه تحریمیه موضوعیه می‌شود که در چنین شبهاتی براءت جاری بوده و حکم به حرمت نمی‌شود. به‌رغم همراهی با وی در نتیجه، این استدلال وی از دو جنبه خدشه‌دار به نظر می‌رسد. نخست اینکه، در حوزه تشخیص معانی و موضوع له الفاظ نمی‌توان به اصول عملیه استناد کرد. دوم اینکه، چندان که ایشان می‌پذیرند اگر در تحقق اعانه تهیه مقدمات کافی باشد، حرمت معان علیه برای اتصاف عمل معین به عنوان «اعانه بر اثم» کافی خواهد بود و آنچه ایشان استدلال می‌کنند، فقط ناظر به حکم اعانه مذکور خواهد بود که در صورت عدم علم قطعاً نمی‌تواند حرمت باشد.

۴. السيد علی محمد دستغیب الحسینی، الیهادی الی المكاسب، جلد ۱ (قم: فلاح، ۱۳۸۸)، ۱۷۷-۱۷۸.

۵. الانصاری، پیشین، ۶۹.

دانسته و فتوا به حرمت آن صادر کرده‌اند، به ممنوعیت بسیاری از معاملات مرسوم منجر شده و نظم اجتماعی و نظام معاش مردمان را مختل می‌سازد.^۱ از این‌رو در مقام چاره‌اندیشی به این نظر متمایل شده است که صدق اعانه نیازمند این است که معاون، وقوع حرام را قصد کند. مرحوم محقق کرکی با توسل به چنین ایده‌ای:

نخست - موارد «فروش مال (مثلاً انگور یا چوب) به شخصی که می‌دانیم آن را در راه حرام (ساخت خمر یا بت) مصرف می‌کند» را - تخصصاً - از شمول نهی آیه مذکور خارج ساخته و

دوم - اخبار و روایات مشعر بر حرمت «بیع ممن يعلم انه یصرف المبیع فی الحرام» را تضعیف کرده و اصل اباحه را بر مفاد این اخبار حاکم می‌کند.

پاره‌ای از فقها، دیدگاه محقق کرکی را دیدگاهی متین ارزیابی کرده و سیره مستمر مسلمین در خصوص فروش آب و غذا به کفار در روز ماه رمضان - با علم به استفاده ایشان در همان زمان - و همچنین فروش باغ‌های انگور و خرما به ایشان - علی‌رغم علم به تولید خمر از آنها - را شاهی بر صحت دیدگاه مذکور دانسته‌اند.^۲ اما در مقابل امام خمینی معتقد است که سیره مورد ادعا، بر فرض صحت، توان اثبات ادعای مطرح شده (عدم تأثیر آگاهی در تحقق معاونت) را ندارد؛ زیرا حرام نبودن و اعانه محسوب نشدن موارد ادعایی (فروش طعام در ماه رمضان و فروش باغ انگور و خرما) از جهت عدم تحقق اثم، و نه عدم تأثیر آگاهی، می‌باشد. به باور ایشان، هر چند که اصول و فروع تکالیف میان جمیع مکلفین مشترک است، اما طبقه‌بندی عوام غیرمسلمین و غالب خواص ایشان در زمره جاهلین قاصر و عدم اقامه حجت بر ایشان سبب می‌شود تا رفتارهای ایشان از اتصاف به وصف حرمت در امان بماند.^۳ از این‌رو مشخص نبودن وضعیت خریداران از جهت قاصر یا مقصر بودن، آگاهی معاون به مساعدت در عمل حرام را نیز مخدوش ساخته و تحقق عنوان معاونت بر حرام را ناممکن می‌سازد. اما برخی استدلال امام در رد سیره مورد ادعای صاحب‌مفتاح‌الکرامه را کافی نمی‌دانند و معتقدند در زمانه ما به واسطه گسترش اسلام و انتشار خبر ظهور پیامبر جدید، اساساً ناآگاه شمردن علمای یهود و نصارا و اکثریت عوام ایشان از پیدایش دینی جدید پس از مسیحیت، امری غیرممکن است.^۴ بر این اساس، در عصر حاضر، جز در موارد نادر، باید بنا را بر مقصر بودن غیرمسلمانان قرار داد. زیرا به‌رغم دسترسی به معارف اسلامی،

۱. همان، ۷۰.

۲. السید محمدجواد الحسینی العاملی، مفتاح‌الکرامه فی شرح قواعد العلامه، تحقیق علی اصغر مروارید (بیروت: دارالتراث، ۱۹۹۸)، ۶۸.

۳. الموسوی الخمینی، پیشین، ۱۹۹-۲۰۰.

۴. المنتظری، پیشین، ۳۳۳.

در انجام وظیفه خویش در خصوص شناسایی تکالیف سستی ورزیده و مرتکب تقصیر شده‌اند. با این وجود، بیان مذکور فقط در خصوص عموم علمای ادیان و عوام غیرمسلمان ساکن در جوامع اسلامی قابل استناد بوده و در باب غیرمسلمانان مقیم در بلاد غیراسلامی، با وجود تمام موارد یاد شده، قابل پذیرش نخواهد بود. به این ترتیب هرچند نقد بیان شده دقیق است، اما استدلال مذکور شامل همه مصادیق موضوع نمی‌شود.

امام نظر خویش در خصوص اعتبار قصد در تحقق معاونت را با ارائه مثالی تبیین کرده است. به نظر ایشان، هر گاه شخصی ساخت مسجدی را قصد کند و افراد دیگری با علم به قصد وی، مقدمات فعل او را مهیا سازند، همه افراد دخیل را نمی‌توان معاون دانست؛ زیرا عرف میان این افراد تفکیک قائل می‌شود، به این نحو که تنها مقدمه چنان قاصد (قصد ساخت مسجد) را معاون می‌شمارد و آنها را که به خاطر تأمین مقاصد و اغراض شخصی خویش، در این امر دخالت کرده‌اند، معین در بنای مسجد نمی‌شناسد. بر همین اساس، ایشان معتقدند که کاربرد واژه اعانه در آن دسته از آیات و روایات که مفید عدم اعتبار قصد می‌باشند، از باب استعمال مجازی و استعاری است.^۱

برخی از فقها به این بیان خرده گرفته‌اند، زیرا در بیان مذکور، معاونت از عناوین قصدی و اعتباری نظیر تعظیم، ملکیت و زوجیت - و نه عناوین واقعی - پنداشته شده که این امر نشأت گرفته از سیره متشرعین است که از عبارت «اعانت بر بر و تقوا» چنین فهم کرده‌اند که فرد باید عملش را با قصد قربت، مجانی یا با دریافت وجه کمتر انجام دهد.^۲ حال آنکه از یک‌سو، برای فهم آیه (آیه ۲ مائده) باید کلمات را بر معنای آنها در لغت و عرف عام حمل کرد و از سوی دیگر، چنین تبادری (فهم متشرعین از عبارت «اعانت بر بر و تقوا») معیار مناسبی برای فهم مفهوم اعانه در لغت و عرف عامه محسوب نمی‌شود. افزون بر این، بدون دلیل متقن نمی‌توان استعمال واژه اعانت (اعانت فاقد قصد) در بسیاری از روایات را بر مجازی و استعاری بودن حمل کرد.^۳ به علاوه اینکه، صحت برداشت عرفی مذکور نیز محل تردید است؛ زیرا عرف، در چنین مواردی (مقدمه‌سازی با انگیزه شخصی)، رفتار فرد (مساعدت‌کننده) را شایسته تحسین و تقدیر نمی‌شمارد، اما به تأثیر رفتار وی در ساخت مسجد معترف بوده و مداخله وی را انکار نمی‌کند. از این رو به نظر می‌رسد که در مثال فوق، صدق عرفی معاونت از داوری ارزشی عرف در باب آن، تفکیک نشده است. با توجه به آنچه آمد هر چند در اینکه «عرف، میان مداخله‌کنندگان قاصد و غیرقاصد قائل به تفکیک

۱. الموسوی الخمینی، پیشین، ۲۱۲-۲۱۳.

۲. مرعشی شوشتری، پیشین، ۷۷.

۳. المنتظری، پیشین، ۳۰۷-۳۰۸.

می‌شود»، می‌توان با امام همراه شد، اما به نظر می‌رسد این تفکیک نه از باب تحقق یا عدم تحقق اعانه که از باب استحقاق یا عدم استحقاق تشویق و تقدیر قابل پذیرش است.

۳. نظریه کفایت علم

برخی از فقها، صرف علم معاون به قصد مباشر را در تحقق معاونت، کافی دانسته‌اند. دیدگاه‌های آنها در خصوص اعتبار آگاهی در تحقق معاونت را می‌توان حول سه محور کلی طبقه‌بندی کرد:

گروهی از فقیهان، پس از نقل کلام مرحوم محقق کرکی و بیان نگرانی وی در خصوص لزوم منع اکثر معاملات، در مقام چاره‌اندیشی، از تفکیک دو گانه قصد به قصد فعلی و قصد استقبالی استمداد بسته و علم معین به قصد فعلی و نه استقبالی مباشر را ملاک تحقق معاونت در جرم معرفی می‌کنند.^۱ به باور این دسته از فقها، مقدمه‌سازی آگاهانه، پس از ایجاد اراده (قصد) در مباشر، به منزله فراهم کردن جزء اخیر علت تامه محسوب می‌شود؛ چراکه در چنین مواردی، برای وقوع حرام، هیچ حالت منتظره‌ای جز وجود این مقدمه قابل تصور نمی‌باشد.^۲ هر چند که توسل به چنین تفکیکی (تفکیک قصد فعلی و استقبالی) دایره معاملات ممنوع را به شدت محدود کرده و دغدغه محقق کرکی (پیشگیری از اخلال در نظام معاملات) را مرتفع می‌سازد، اما پاره‌ای از فقها، وجهی برای این تفکیک نیافته و آن را مردود شمرده‌اند.^۳

دسته دوم از فقها که قائل به کفایت آگاهی برای تشکیل رکن روانی معاونت در جرم هستند، آن (کفایت علم) را تنها در موارد فراهم ساختن مقدمات قریبه - و نه بعیده - پذیرفته‌اند.^۴ به باور آنها، احتمال تحقق معاونت و حرمت آن، فقط در خصوص جزء اخیر از مقدمات، یعنی مقدمه‌ای که میان آن مقدمه و صدور حرام از فاعل، حائلی جز اراده مرتکب نیست، منطقی به نظر می‌رسد.^۵ جایگاه محوری مفهوم «جزء اخیر مقدمه» یا «علت تامه» در بدنه (ساختمان) این نظریه، این احتمال را تقویت می‌کند که نظریه مذکور، ضابطه جدیدی ارائه نکرده و صرفاً به تکرار مفاد نظریه اول (تفکیک قصد فعلی و استقبالی) البته با ادبیات و تعابیر متفاوت، پرداخته است. عبارات برخی فقها در تعریف مقدمات قریبه و بعیده،

۱. الانصاری، پیشین، ۸۶.

۲. الموسوی الجنوردی، القواعد الفقهیه، جلد ۱، ۳۲.

۳. المنتظری، پیشین، ۳۲۱.

۴. الغروی النائینی، مکاسب و البیع، جلد ۱، ۲۶ و نیز نک: احمد الأذری القمی، مکاسب المحرمه، جلد ۱ (قم: انتشارات مکتبه ولایه الفقیه، ۱۳۷۳)، ۱۲۹.

۵. الغروی النائینی، مکاسب و البیع، ۲۸.

برداشت فوق را تقویت می‌کند. زیرا به نظر اینان، مقدمات قریبه مقدماتی هستند که پس از ایجاد قصد ارتکاب جرم در ذهن مرتکب، از سوی معاون، فراهم می‌شوند، اما مقدمات بعیده، آن دسته از مقدماتی هستند که معاون آنها را پیش از تحقق قصد مرتکب انجام می‌دهد.^۱ بر فرض صحت چنین برداشتی، ایرادی که پاره‌ای از فقها بر نظریه اول، وارد دانسته‌اند، به این نظریه نیز تسری می‌یابد. به علاوه اینکه، تفکیک میان مقدمات قریبه و بعیده و اعتقاد به ناتوانی مطلق مقدمات بعیده در تشکیل عنوان معاونت، با قضاوت عرف نیز در تنافی است. زیرا لازمه مبنای مذکور این است که هرگاه شخصی ابزار ضرب و جرح در اختیار مجرم قرار دهد، معاون وی محسوب شود، اما در صورتی که مالی را به وی بدهد و بداند که او با فروش و دریافت ثمن آن، آلات و وسایل ارتکاب جرم را تهیه می‌کند، معاون جرم محسوب نمی‌شود. حال آنکه عرف، فرقی میان موارد یاد شده قائل نمی‌شود و در هر دو مورد معاونت را صادق می‌داند.

دسته سوم، کفایت آگاهی در تحقق معاونت را به صورت مطلق رد یا تأیید نکرده و تشخیص آن را به داوری عرف و انباده‌اند. بدین ترتیب، آن کس که با علم به قصد ضرب، عسای خویش را در اختیار ظالمی قرار دهد، معاون در جرم تلقی می‌شود، ولی آنکه، انگور خویش را با علم به قصد خریدار مینی بر ساختن خمر، به وی بفروشد، معاون جرم محسوب نمی‌شود.^۲ زیرا عرف، در چنین مواردی، فروشنده را در فکر تأمین معاش انگاشته و نسبت به آثار رفتار خویش، بی‌توجه فرض می‌کند.

نظریه صدق عرفی معاونت (کفایت عرفی آگاهی در تحقق معاونت) بر این فرض استوار است که در مواردی، عرف، آگاهی را در حکم قصد پنداشته، به آرزوها و تمایلات درونی معاون در خصوص پشیمانی فاعل یا عدم وقوع جرم واقعی ننهد و در قاصد شمردن وی تردید به خود راه نمی‌دهد. نظریه مذکور، همچنین، محمل مناسبی برای نقد نظر آن دسته از فقیهانی است که بر اعتبار نظریه خویش در خصوص «ضرورت قصد»، سیره مسلمین را شاهد گرفته‌اند. زیرا بر اساس نظریه صدق عرفی (کفایت عرفی آگاهی)، معاونت محسوب نشدن مواردی نظیر فروش طعام و شراب به کفار در روز ماه رمضان - با علم به استفاده ایشان در همان زمان، فروش باغ‌های انگور و خرما به ایشان علی‌رغم علم به تولید شراب از آنها - و معامله با حکام جور با علم به تأثیر معامله بر افزایش قدرت نظامی و دفاعی ایشان،^۳

۱. محقق داماد، پیشین، ۱۸۹.

۲. احمد الأردبیلی، زبده‌البیان فی احکام القرآن (قم: مؤتمر المقدس الأردبیلی، ۱۳۷۵)، ۳۸۲-۳۸۳.

۳. الحسینی العاملی، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، ۶۸ و نیز نک: محمدحسن النجفی، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، حقه و علق علیه الشیخ علی الاخوندی، جلد ۲۲ (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱)، ۳۳-۳۳.

به فقدان قصد معاون ارتباطی نداشته، بلکه از این باب است که این اعمال، عرفاً، معاونت محسوب نمی‌شوند.

از منظر مطالعات تطبیقی، نظریه صدق عرفی معاونت (کفایت عرفی آگاهی) با نظریه قصد ناگزیر در حقوق کیفری قابل مقایسه است. بر اساس تئوری قصد ناگزیر که رگه‌هایی از آن در بند ب ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ و بند ب ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی سابق (۱۳۷۰) مشاهده می‌شود، آگاهی به «منتهی شدن نوعی یک رفتار به یک جنایت»، موجب عمدی محسوب شدن آن جنایت می‌شود. بنابراین، هر چند که در نگاه اول، نظریه صدق عرفی معاونت و نظریه قصد ناگزیر به صورت دو نظریه مستقل در دو حوزه متفاوت جلوه‌گر شده و مشابهتی میان آن دو قابل تصور نمی‌باشد، اما به نظر می‌رسد که نظریه‌های مذکور از مبنای واحدی نشأت می‌گیرند، مبنایی که قطع (یقین) افراد در خصوص «تحقق واقعه خارج از خواست ایشان» را موجب مسؤلیت آنها می‌داند.

البته لازم به ذکر است که پای‌بندی به تئوری‌های مذکور در باب کفایت علم، به این معنا نیست که تأثیر قصد معاون در تحقق معاونت انکار شود. زیرا تئوری‌های پیش‌گفته، نه فقط به دنبال خارج ساختن قصد از عداد اجزای تشکیل‌دهنده رکن روانی نیستند، بلکه به دنبال این هستند که تحت شرایطی، علم را در حکم قصد دانسته و تحقق رکن روانی را تسهیل نمایند. از این رو قائلین دیدگاه‌های اول و سوم (قصد فعلی و صدق عرفی) که در متن به نام‌شان اشارت رفته، به صراحت به نقش قصد معاون در تحقق معاونت اذعان کرده‌اند، اما نقش انحصاری قصد را در تحقق معاونت نپذیرفته و در شرایطی، آگاهی را نیز کافی دانسته‌اند. لزوم فعلی بودن قصد یا صدق عرفی، از جمله شرایطی هستند که در آنها، آگاهی در حکم قصد تلقی می‌شود. بنابراین، آنچه در باب لزوم فعلی بودن قصد یا صدق عرفی بیان شد، قیود آگاهی بوده و در مقام تقیید اعتبار قصد نیستند. پس هرگاه قصد فروشنده انگور، تولید خمر باشد، وی معاون جرم تلقی می‌شود، هر چند که مباشر فاقد قصد فعلی بوده و معاونت عرفاً صادق نباشد.

از میان قائلین نظریه دوم، مرحوم نائینی همانند شیخ و محقق اردبیلی می‌اندیشد، به این نحو که قصد معاون مبنی بر ترتب حرام را مطلقاً معتبر دانسته، اما آگاهی به ترتب حرام را فقط در صورتی موجب تحقق معاونت می‌پندارد که معاون به ارتکاب مقدمات قریبه پردازد. برخی از نویسندگان هم، مبنای دیگری داشته و ارتکاب مقدمات قریبه از سوی معاون را در هر دو صورت (قصد و آگاهی) قید تحقق معاونت به حساب آورده‌اند.^۲

۱. ر.ک: الانصاری، پیشین، ۸۲ و نیز نک: الأردبیلی، پیشین، ۳۸۲.

۲. الأذری القمی، المکاسب المحرمه، جلد ۱، ۱۳۰.

نتیجه‌گیری

اعانه بر اثم اصطلاحی است که فقها برای برخی رفتارهای یاری‌رسان به فاعل گناه برگزیده‌اند. با این وجود صرف ارتکاب رفتار مساعدتی را نمی‌توان اعانه بر اثم تلقی کرد، زیرا اعانه بر اثم زمانی محقق می‌شود که ارکان تشکیل‌دهنده آن در یک نقطه از زمان اجتماع کنند.

رکن مادی اعانه بر اثم از دو جزء رفتار و شرایط تشکیل می‌شود. در خصوص رفتار باید به دو نکته مهم توجه کرد. نخست اینکه، اعانه از طریق ترک فعل نیز محقق می‌شود. زیرا اولاً، تحقق اعانه از طریق ترک فعل با حکم عقل، منطقی و عرف سازگار است و ثانیاً، هیچ مانع شرعی در این خصوص که رفتار تشکیل‌دهنده معاونت به موارد فعل منحصر است، در دست نیست. دوم اینکه، رفتارهای تشکیل‌دهنده معاونت در جرم و اعانه بر اثم، ضرورتاً یکسان نیستند. توضیح آنکه، رفتارهای مادی (تسهیل و تهیه وسایل ارتکاب جرم) میان معاونت در جرم و اعانه بر اثم مشترک‌اند؛ اما در باب رفتارهای معنوی باید قائل به تفکیک شد. دسته اول، آن دسته از رفتارهایند که کارکردشان القای اندیشه و ایجاد انگیزه در مباشر است. این رفتارها (تحریک، ترغیب، تهدید و تطمیع) عرفاً مساعدت تلقی نشده و در نتیجه قادر به تولید عنوان اعانه نیستند. دسته دوم، رفتارهای آموزشی‌اند. این رفتارها (ارائه طریق)، عرفاً «کمک» محسوب شده و در صورت وجود سایر شرایط، مصداق اعانه به شمار می‌آیند. دسته سوم، رفتارهایی هستند که کارکردشان بسته به شرایط و اوضاع و احوال متفاوت است. این رفتارها (دسیسه، فریب، نیرنگ و سوءاستفاده از قدرت) هرگاه منجر به القای اندیشه یا ایجاد انگیزه در مباشر شوند، اعانه محسوب نمی‌شوند، اما در جایی که در خدمت ایجاد شرط یا رفع مانع قرار گیرند، در صورت وجود سایر شرایط، اعانه تلقی می‌شوند.

برای تحقق رکن مادی اعانه لازم است که رفتار در شرایط و اوضاع و احوال خاصی ارتکاب یابد. این شرایط عبارت‌اند از حرام بودن رفتار مد نظر مباشر، تقدم رفتار معاون یا تقارن آن با رفتار مباشر، فرعی بودن رفتار، قاصد بودن مباشر، بهره‌مندی مباشر از رفتار معین و وقوع حرام قصدشده.

در باب رکن روانی نیز به ذکر این مطلب بسنده می‌شود که عرف، در مواردی، صرف آگاهی را در حکم قصد می‌شمارد. در این موارد، نیازی به قصد نیست و آگاهی معاون به وقوع حرام، برای تحقق معاونت در اثم کافی است.

منابع فارسی و عربی

۱. آقایی‌نیا، حسین. جرایم علیه اشخاص (جنایات). تهران: میزان، ۱۳۸۴.
۲. الأذری القمی، احمد. المكاسب المحرمة. جلد ۱، قم: مكتبة ولاية الفقيه، ۱۳۷۳.
۳. الأردبیلی، احمد. زبدة البیان فی احکام القرآن. قم: مؤتمَر المقدس الأردبیلی، ۱۳۷۵.
۴. الانصاری، مرتضی. کتاب المكاسب، تحقیق و تعلیق السید محمد کلانتر. جلد ۲. نجف الاشرف: منشورات جامعه النجف الدینیة، ۱۳۵۰.
۵. الایروانی النجفی، میرزا علی. حاشیه المكاسب. جلد ۱، قم: کتابفروشی کتبی نجفی، ۱۳۷۹ هـ.ق.
۶. الحسینی العاملی، السید محمدجواد. مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه. تحقیق علی اصغر مروارید. بیروت: دار التراث، ۱۹۹۸ م.
۷. السعید، کامل. شرح قانون العقوبات. الجرائم المضره بالمصلحه العامه. عمان: دارالثقافه، ۲۰۰۸ م.
۸. العوجی، مصطفی. النظریه العامه للجريمه. بیروت: مؤسسه نوفل، ۱۹۸۸ م.
۹. الغروی النائینی، محمد حسین. المكاسب و الیبع. به قلم محمدتقی الآملی، جلد ۱. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۱۰. القزوینی، الحافظ ابی عبدالله محمد بن بزید (ابن ماجه). سنن. جلد ۲، تحقیق محمدفؤاد عبدالباقی. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۷۵ م.
۱۱. المنتظری، حسینعلی. دراسات فی المكاسب المحرمة. جلد ۲. قم: مکتب آیت الله العظمی المنتظری، ۱۴۱۷ هـ.ق.
۱۲. الموسوی البجنوردی، السید میرزا حسن. القواعد الفقهيّه. جلد ۱. نجف: مطبعه الآداب فی النجف الاشرف، ۱۹۶۹ م.
۱۳. الموسوی الخمينی، روح الله، المكاسب المحرمة. جلد ۱. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمينی، ۱۳۷۳.
۱۴. الموسوی الخوی، سید ابوالقاسم. مصباح الفقاهه فی المعاملات. به قلم محمدعلی التوحیدی. ج. بیروت: دارالهادی، ۱۹۹۲ م.
۱۵. النجفی، محمد حسن. جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. حقه و علق علیه الشیخ علی الاخوندی. جلد ۲۲. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱ م.
۱۶. التراقی، احمد بن محمد مهدی. عوائد الایام. حقه مرکز الأبحاث و الدراسات الاسلامیه. قم: مرکز النشر التابع لمکتب الإعلام الإسلامی، ۱۳۷۵.
۱۷. اردبیلی، محمدعلی. حقوق جزای عمومی. جلد ۱، تهران: میزان، ۱۳۸۸.
۱۸. توجهی، عبدالعلی. تقریرات حقوق جزای اختصاصی ۳ (جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی). تدوین علیرضا منجزی. تهران: مؤسسه عالی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲.
۱۹. حُسنی، محمودنجیب. رابطه سببیت در حقوق کیفری. ترجمه سیدعلی عباس نیای زارع. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۶.

۲۰. حُسنی، محمود نجیب. شرح قانون العقوبات (القسم الخاص). قاهره: دارالنهضة العربيه، ۱۹۹۲ م.
۲۱. دستغیب الحسینی، السید علی محمد. الیهادی الی المکاسب. جلد ۱، قم: فلاح، ۱۳۸۸.
۲۲. زراعت، عباس. حقوق جزای عمومی. جلد ۱. تهران: ققنوس، ۱۳۸۶.
۲۳. عالییه، سمیر. اصول قانون العقوبات (القسم العام). بیروت: مؤسسه الجامعیه للدراسات و النشر و التوزیع، ۱۹۹۶ م.
۲۴. عباسزاده امیرآبادی، احسان. «مشارکت جنایی در حقوق ایران و فرانسه (بارویکرد جرم‌شناسی)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۳.
۲۵. عبدالمنعم، سلیمان. النظریه العامه لقانون العقوبات. بیروت: منشورات الحلبي الحقوقیه، ۲۰۰۳ م.
۲۶. عمید زنجانی، عباسعلی. قواعد فقه: بخش حقوق جزا. جلد ۲. تهران: سمت، ۱۳۸۷.
۲۷. عوده، عبدالقادر. حقوق جزای اسلامی. ترجمه ناصر قربان‌نیا، سیدمهدی منصوری و نعمت‌الله الفت. جلد ۲. تهران: میزان، ۱۳۷۷.
۲۷. فاضل موحدی لنکرانی، محمد. القواعد الفقهیه. قم: مرکز فقه الأئمه الأطهار علیهم السلام، ۱۳۸۳.
۲۸. گارو، رنه. مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا. جلد ۳. ترجمه سیدضیاءالدین نقابت. تهران: ابن‌سینا، ۱۳۴۴.
۲۹. گلدوزیان، ایرج. بایسته‌های حقوق جزای عمومی. تهران: میزان، ۱۳۷۷.
۳۰. محقق داماد، سیدمصطفی. قواعد فقه (بخش جزایی). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۸.
۳۱. محمد، عوض. قانون العقوبات (القسم العام). اسکندریه: دارالمطبوعات الجامعیه، ۱۹۸۵ م.
۳۲. محمدی همدانی، محمدعلی. تبیین فقهی معاونت در جرم و مقایسه آن با قوانین موضوعه. تهران: جنگل، ۱۳۸۸.
۳۳. محمدی، قاسم و احسان عباسزاده امیرآبادی. «معاونت در جرایم غیر عمدی». مجله پژوهش‌های حقوقی ۲۰ (۱۳۹۰): ۴۵-۵۸.
۳۴. مرادی، حسن. شرکت و معاونت در جرم. تهران: میزان، ۱۳۷۳.
۳۵. مرعشی شوشتری، محمدحسن. دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام. جلد ۲. تهران: میزان، ۱۳۷۹.
۳۶. منصورآبادی، عباس و محمدجواد فتحی. جعل و تزویر و جرایم وابسته. تهران: سمت، ۱۳۹۰.
۳۷. میرکمالی، سیدعلیرضا و احسان عباسزاده امیرآبادی، «تحلیل جرم جعل مفادی»، آموزه‌های حقوق کیفری ۸ (۱۳۹۳): ۲۰۷-۲۳۴.
۳۸. میرمحمدصادقی، حسین. جرایم علیه اشخاص. تهران: میزان، ۱۳۹۰.
۳۹. میرمحمدصادقی، حسین. تقریرات درس حقوق جزای عمومی. تدوین مجید ادیب. تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۷۵.

منابع لاتین

1. Bouzat, Pierre et Jean Pinatel, *Traité de Droit pénal et de criminologie*, Paris, Dalloz, 1963.
2. Molinier, Victor, *Traité théorique et pratique de droit pénal, annoté et mis au courant de la législation et de la jurisprudence les plus récentes*, par Georges Vidal, Paris, A. Rousseau, 1894.
3. Pin, Xavier, *Droit pénal général*, Paris, Dalloz, 2009.
4. Rassat, Michèle-Laure, *Droit pénal*, Paris, PUF, 1987.
5. Robert, Jacques- Henri, *Droit pénal général*, Paris, PUF, 1992.
6. Stéfani, Gaston, *Georges Levasseur, et Bernard Bouloc, Droit pénal général*, Paris, Dalloz, 1995.



The Elements of Sin Aiding

Ghassem Mohammadi

(Assistant Professor of Shahid Beheshti University)

Ehsan Abbaszadeh

(Ph.D Student)

Abstract:

The prohibition of sin aiding as jurisprudential basis of criminalization of aiding in crime has always been considered. The order of Shari'a in crime aiding and the quality of its creation has several similarities to crime aiding. While more accurate inquiry on material and mental elements show that the substance of sin aiding and its partial subjects are not necessarily accompanied by crime aiding theory. On one side, the recognition of the aiding examples which is based on achieving common perception of "aiding" in return of considering legal examples of aiding, will lead to not considering some behaviour as jurisprudential aiding unlike law's perspective. On the other side, acceptance of knowledge adequacy to the content of action theory, in creation of material element of aiding, will make distinguished approach that can be observed in criminal laws.

Keywords:

Sin(Ethm) aiding, Practical aiding, Intentional titles, Crime, Common truth of aiding.

Journal of CRIMINAL LAW AND CRIMINOLOGY

VOL. II, No. 3

2014-1

- **The Principle of Conduct and Its Rules in Criminal Law: with a Comparative Approach to Iran and England law**
Mehrdad Rayejian Asli
- **Iran criminal law mechanisms in enforcement of litigation right for victimized child**
Amirhamzeh Zeinali
- **The Elements of Sin Aiding**
Ghassem Mohammadi - Ehsan Abbaszadeh
- **Similarities and Differences between Interpretation in Substantive and Procedural Law**
Ali Shojaei
- **Assessment of Criminal Sanctions against Legal Persons**
Mohsen Sharifi - Mohammad Jafar Habibzadeh - Mohammad Farajiha
- **Political Crime and Had-Tazir Demarcation**
Rahim Nobahar



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study